

## بررسی اپیدمیولوژیک افسردگی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج، ۱۳۸۰

نویسنده: دکتر سیدندیر هاشمی محمدآباد<sup>۱</sup>، زهرا حسینی<sup>۲</sup>، محمدعلی شهامی<sup>۲</sup>

### چکیده:

افسردگی یکی از شایعترین بیماریهای اعصاب و روان است که محدود به زمان و مکان خاصی نبوده و هر فردی را ممکن است گرفتار نماید. این مطالعه در ۴۵۲ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد به وسیله دوتست که یکی از آنها تست ۲۱ سؤالی بک (Beck) و پرسشنامه دیگر شامل اطلاعات شخصی از قبیل سن، جنس، وضعیت تأهل ... می باشد، تجزیه و تحلیل با کمک رایانه و از برنامه نرم افزاری SPSS انجام گردیده است. نتایج بدست آمده: ۶۲٪ دانشجویان از افسردگی خفیف تا شدید در رنج بوده که ۲۱٪ آنها از افسردگی متوسط تا شدید رنج می برند. میزان شیوع افسردگی در مجردها بیشتر از متأهلین، در غیر بومیها بیشتر از بومیها، در کسانی که به اجبار خانواده رشته تحصیلی را انتخاب نموده اند بیشتر از کسانی است که با اختیار خود انتخاب رشته نموده اند. در دانشجویانی که فعالیت فوق برنامه داشته، اعتقاد قوی مذهبی داشته و نماز می خوانند میزان افسردگی بیشتر از کسانی است که فعالیت فوق برنامه نداشته، نماز نمی خوانند. شیوع افسردگی در دانشجویانیکه مادرشان فوت نموده بیشتر از دانشجویانی است که مادرشان در قید حیات است. که تمام این موارد از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود دارد.

تفاوت آماری معنی داری بین افسردگی و شغل پدر و مادر، با سواد و بیسواد بودن پدر و مادر، در قید حیات بودن پدر، دیده نشد.

پذیرش دانشجویان بومی در دانشگاهها، تشویق به دارا بودن فعالیت فوق برنامه اعم از مطالعه، ورزش، تفریح سالم ... شرکت در مراسمات مذهبی و انجام فرایض دینی، بالا بردن آگاهی والدین جهت اختیار دادن به فرزندان برای انتخاب رشته تحصیلی پیشنهاد می گردد.

کلید واژه: دانشجویان، اپیدمیولوژی، افسردگی

### مقدمه:

افسردگی یکی از شایع ترین اختلالات روانپزشکی بوده که محدود به زمان، مکان و شخص خاص نیست و همه اقشار و طبقات جامعه را از فقیر، غنی، بی سواد، باسواد، کارگر، کشاورز، دانشجو، استاد در بر می گیرد و در هر فرهنگ و کشوری وجود دارد و میزان شیوع آن و نسبت جنس، سن ... در جاهای مختلف متفاوت است میزان شیوع افسردگی در جمعیت عمومی در ایران در بررسیهای انجام شده از ۴/۲٪ تا ۳۷٪ تخمین زده شده است (۱،۲). در جمعیت دانشجویی از ۱۰/۵۴٪ تا ۶۲/۹٪ تخمین

زده شده است (۳،۴). میزان شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه اهواز ۴۴/۹٪ بوده و این میزان در دختران کمتر از پسران (۳۸٪ به ۵۲٪) و این اختلاف از نظر آماری معنی داری بوده اما از نظر مجرد و متأهل بودن تفاوت معنی داری وجود نداشت (۵).

میزان شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه ایلام ۶۰/۷٪ اعلام که بین پسران و دختران تفاوت آماری معنی داری وجود نداشت (۴). میزان شیوع افسردگی در دانشجویان علوم پزشکی همدان ۴۳/۵٪ اعلام و بین پسران و دختران تفاوتی وجود نداشت اما در مجردین از متأهلین

۱- عضو هیئت علمی و مدیر گروه بخش اعصاب و روان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

۲- کارشناس بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

نمره گذاری آزمون بک، نمره‌های (۹-۰) در گستره بهنجار و نمره‌های ۱۰ و بیشتر افسرده به شمار می‌روند بطوری که نمره ۱۰-۱۹ افسردگی خفیف، ۲۰-۲۹ افسرده متوسط، ۳۰-۳۹ افسرده نسبتاً شدید، ۴۰ و بالاتر افسرده شدید به شمار می‌رود که معمولاً از نمره ۲۰ به بالا را به عنوان افسردگی در نظر می‌گیرند. علاوه بر پرسشنامه بک، پرسشنامه دیگری که شامل مشخصات دانشجویان از قبیل سن، جنس، وضعیت تأهل، محل زندگی ... می‌باشد استفاده شده است. اطلاعات بدست آمده از طریق رایانه و برنامه نرم افزاری SPSS و با استفاده از آزمون chi-square مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

#### یافته‌ها:

میزان شیوع افسردگی در بین دانشجویان ۶۲٪ (۲۸۰ نفر) بدست آمده که ۴۰٪ (۱۸۵ نفر) افسردگی خفیف، ۱۵/۹۲٪ (۷۲ نفر) افسردگی متوسط، ۵٪ (۳۲ نفر) از افسردگی شدید در رنج هستند یعنی ۲۱٪ (۹۵ نفر) از دانشجویان از افسردگی متوسط تا شدید در رنج می‌باشند. فراوانی افسردگی در پسران ۷۵٪ (۱۷۴ نفر از ۲۳۲ نفر) بوده که ۲۴/۱۳٪ (۵۶ نفر) آنها مبتلا به افسردگی متوسط تا شدید می‌باشند. در مقایسه میزان افسردگی در دختران ۷۱/۸٪ (۱۵۸ نفر از ۲۲۰ نفر) بوده که ۲۴٪ (۵۳ نفر) از آنها مبتلا به افسردگی متوسط تا شدید می‌باشند. این اختلاف بین پسران و دختران از نظر آماری معنی دار نبوده است.

میزان افسردگی در دانشجویان مجرد ۶۶/۶۶٪ (۲۵۰ نفر از ۳۷۵ نفر) و در متأهلین ۳۴/۶۱٪ (۲۷ نفر) از ۷۷ نفر دیده شد، که این اختلاف از نظر آماری معنی دار است. ( $P < 0.05$ )

میزان افسردگی در دانشجویان از نظر وضعیت سکونت

بیشتر که از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود داشت (۶). میزان شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان ۳۱٪ اعلام ولی بین مجردها و متأهلین تفاوت آماری معنی داری وجود نداشت (۷). میزان شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه سبزوار ۲۹/۲٪ اعلام ولی در مجردين بیشتر از متأهلین و در پسران بیشتر از دختران بود (۸).

اکثر مطالعات حکایت از کاهش افسردگی در دانشجویان بومی نسبت به غیر بومی‌ها دارد (۱، ۴، ۸، ۹). از دست دادن والدین بخصوص مادر در اوایل زندگی عامل مهمی در بروز افسردگی است بخصوص در سن کمتر از ۱۱ سالگی (۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳). در مطالعه‌ای در کانادا از دست دادن پدر در سن کمتر از ۱۱-۱۵ سالگی مهم قلمداد شد ولی از دست دادن مادر عامل مهمی نبود (۱۲).

میزان افسردگی در کسانی که فعالیت فوق برنامه داشته کمتر از سایرین بوده و در کسانی که دارای اعتقادات مذهبی قوی بوده و فرایض دینی را انجام می‌دهند نسبت به سایرین از افسردگی کمتری برخوردارند (۹، ۲۰).

#### مواد و روشها:

این مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی است و جامعه آماری آن را ۴۵۲ نفر (۲۳۲ نفر مرد و ۲۲۰ زن) از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج تشکیل داده است. این دانشجویان در سال تحصیلی ۷۹-۸۰ مشغول به تحصیل بوده که بین کل دانشجویان، به شکل تصادفی انتخاب شد. ابزار پژوهش در این مطالعه آزمون استاندارد بک (Beck test) بوده که دارای ۲۱ سؤال می‌باشد و از صفر تا ۳ درجه بندی گردیده است. نمره صفر کمترین و نمره ۶۳ بیشترین میزان افسردگی است. براساس سیستم

**بحث و نتیجه گیری:**

میزان شیوع افسردگی در بین دانشجویان ۶۲٪ بوده که افسردگی متوسط تا شدید ۲۱٪ است که این میزان افسردگی شدید، نزدیک به میزان شیوع افسردگی در شیراز (۳) بوده ولی از سایر آمارها کمتر است (۴،۵،۶،۸) و نزدیک به آمار افسردگی در جمعیت عادی است. این میزان افسردگی در پسران و دختران تفاوت آماری معنی دار نداشته و مشابه به آمار ایلام و همدان بوده است (۴،۶). میزان شیوع افسردگی در مجردها بیشتر از متأهلین است که مشابه با سایر آمارها می باشد (۶،۸) بنابراین می توان گفت شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی قابل ملاحظه بوده و در پسران و دختران تفاوتی نداشته و مشکلات دانشجویی از قبیل مشکلات اقتصادی، رفاهی، آموزشی و... برای هر دو گروه یکسان و مشابه با سایر دانشگاههای کشور است و بخصوص در مجردها که نسبت به متأهلین احساس تنهایی بیشتری کرده، احساس وجود حمایت خانوادگی کمتر، تنهایی... عامل مؤثری است.

میزان شیوع افسردگی در غیر بومیها بیشتر از بومیها بوده و این اختلاف از نظر آماری معنی دار است و این یافته با سایر مطالعات هماهنگی دارد (۴،۱۱،۱۴،۱۶) و می توان چنین نتیجه گرفت که دانشجویان غیر بومی به علت دوری از خانواده، تنهایی، مشکلات خوابگاهی، مشکلات اقتصادی دچار افسردگی می شوند.

دانشجویانی که دارای فعالیت فوق برنامه هستند از افسردگی کمتری برخوردار هستند که هماهنگی با مطالعه دیگر دارد (۱۶) و بایستی دانشجویان غیر از درس خواندن، فعالیت دیگری چون ورزش، تفریح سالم، مطالعه غیر درسی... را جزء برنامه خود قرار دهند.

شیوع افسردگی در کسانی که با میل خود انتخاب رشته نموده اند کمتر بوده که هماهنگی با سایر مطالعات را دارد

(به تفکیک بومی و غیر بومی بودن) مورد بررسی قرار گرفت که وفور آن در ۵۲٪ از غیر بومیها (۷۵ نفر از ۱۴۵ نفر) و ۳۲٪ از بومیها (۹۸ نفر از ۳۰۷ نفر) دیده شد که از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود دارد ( $P < 0.05$ ). میزان افسردگی در دانشجویانی که فعالیت فوق برنامه دارند ۳۲/۸٪ (۹۸ نفر از ۲۹۸) و در دانشجویانی که فعالیت فوق برنامه ندارند ۵۸٪ (۹۸ نفر از ۱۵۴) بوده که از نظر آماری تفاوت معنی داری بین دو گروه وجود دارد ( $P < 0.05$ ).

شیوع افسردگی در دانشجویانی که مادرشان در قید حیات نیست ۷۰/۵٪ (۱۲ نفر از ۱۷ نفر) و در دانشجویانی که مادرشان در قید حیات است ۳۴٪ (۱۴۵ نفر از ۴۳۵ نفر) که این اختلاف از نظر آماری معنی دار است. ( $P < 0.05$ ).

شیوع افسردگی در دانشجویانیکه به اجبار خانواده رشته تحصیلی خود را انتخاب کرده اند ۵۹/۳٪ (۱۹ نفر از ۳۱ نفر) و در دانشجویانیکه با اختیار خود رشته تحصیلی را انتخاب کرده اند ۱۶/۵٪ (۴۸ نفر از ۲۹۸ نفر) بوده که بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد ( $P < 0.05$ ). البته سایر دانشجویان دلایل دیگری را ذکر نمودند.

شیوع افسردگی در دانشجویانیکه اعتقاد مذهبی قوی داشته و نماز می خوانند ۳۲٪ (۱۳۸ نفر از ۴۳۲ نفر) و در کسانی که نماز نمی خوانند ۵۰٪ (۲۰ نفر از ۴۰ نفر) بوده که بین دو گروه از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود دارد ( $P < 0.05$ ).

تفاوت آماری معنی داری بین افسردگی و در قید حیات بودن پدر، شاغل یا خانه دار بودن مادر، بیکار بودن و یا شغل پدر (اعم از کارگر، کارمند، کشاورز، دامدار) با سواد یا بی سواد بودن پدر و یا مادر (با سواد اعم از ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و بالاتر) دیده نشد.

یکی از پایه‌های اساسی زندگی بوده و موجب افسردگی می‌گردد.

نداشتن ارتباط افسردگی با شاغل بودن پدر و مادر، بی‌سواد یا باسواد بودن پدر و مادر را می‌توان به بزرگ شدن و بالغ بودن افراد، اراده و تصمیم مستقل افراد دانست که دانشجویان در این سن و سال، وابستگی کمتری به خانواده داشته و خودشان بایستی مسئول اداره زندگی خود باشند.

نهایتاً بایستی سعی نمود بیشتر از دانش‌آموختگان بومی در دانشگاهها استفاده شود، دانشجویان را به داشتن فعالیت‌های فوق برنامه، شرکت در مراسمات مذهبی، انجام فرایض دینی تشویق نمود تا میزان شیوع افسردگی کمتر شود. مسئولین دانشگاه سعی به رفع مشکلات رفاهی، خوابگاهی، کاهش هزینه تحصیلی نمایند.

(۸،۱۴) می‌توان گفت با میل و رغبت انتخاب رشته نمودن، دارای انگیزه بیشتری برای رسیدن به هدف بودن، همگامی محرک‌های درونی و بیرونی، اراده و تصمیم قاطع موجب کاهش افسردگی می‌شود.

شیوع افسردگی در کسانی که اعتقادات مذهبی بیشتری داشته و نماز می‌خوانند کمتر بوده (۱۶،۱۷) بنابراین دارا بودن اعتقاد مذهبی، انجام فرایض دینی احساس وجود پیشخوانه قوی، احساس آرامش، عدم احساس پوچی و درماندگی موجب کاهش افسردگی می‌شود.

ازدیاد شیوع افسردگی در دانشجویانی که مادران خود را از دست داده‌اند هماهنگی با سایر یافته‌ها داشته (۱۰،۱۱،۱۲) و دال بر نداشتن مهر مادری، کمبود عاطفه و محبت، عدم حمایت اجتماعی کافی، از دست دادن

#### منابع:

- ۱- بیرونی با افسردگی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان ۱۳۷۸، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال چهارم، شماره ۴، ص ۲۳-۳۱.
- ۲- طراچی، م، غربالگری افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان ۱۳۷۸، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی کردستان، شماره ۱، ص ۱۵-۱۸.
- ۳- حسینی نژاد، م، محدث حکاک، محمد رضا، مؤیدی، زهرا، بررسی عوامل مؤثر بر میزان افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، فصلنامه علمی - فرهنگی کمیته تحقیقات دانشجویان، دانشکده علوم پزشکی سبزوار، سال پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۸، ص ۳۴-۴۰.
- ۴- روشن، ح، بررسی مشکلات بهداشت روانی دانشجویان دانشگاه شیراز، پایان نامه تخصصی دانشگاه علوم پزشکی شیراز (۷۱-۷۳).
- ۵- مهریار، الف، افسردگی، برداشتها، درمان شناختی ۱۳۷۳، تهران، انتشارات رشد، ص ۵-۶.

- ۱- پالانگ، ح، بررسی همه گیر شناسی اختلالات روانی در شهر کاشان ۱۳۷۵، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال دوم، شماره ۴، ص ۱۹-۲۷.
- ۲- نادری، م، بررسی شیوع افسردگی در مراجعین به درمانگاههای مجتمع آموزشی درمانی حضرت رسول (ص) ۱۳۷۶، فصلنامه علمی پژوهشی اراک، سال دوم، شماره هفتم، ص ۳۳-۳۷.
- ۳- احمدی، ج، میزان افسردگی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز ۱۳۷۱، خلاصه مقالات کنگره سالیانه روانپزشکی و روانشناسی بالینی، ۳-۱۰ آذر ماه، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- ۴- ترابی ن، بررسی میزان افسردگی در دانشجویان مؤسسات آموزش عالی ایلام. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام شماره ۱۴، ص ۲۱-۳۱.
- ۵- احمدی ج، میزان افسردگی در دانشجویان پزشکی اهواز ۱۳۷۴، فصلنامه اندیشه و رفتار سال اول، شماره ۴ ص ۶-۱۴.
- ۶- پهلویان، الف، محبوب، ح، ظرایبان، م، رابطه منبع کنترل درونی -